

جغرافیا و آمایش شهری - منطقه‌ای، شماره ۱۱، تابستان ۱۳۹۳

وصول مقاله: ۱۳۹۲/۸/۵

تأیید نهایی: ۱۳۹۳/۱/۱۶

صفحات: ۳۰ - ۱۵

سنجش میزان سرمایه اجتماعی، مشارکت و توسعه پایدار شهری مورد شناسی؛ منطقه سه کلانشهر زاهدان

دکتر عیسی ابراهیم زاده^۱، محمد زارع^۲

چکیده

علی‌رغم اینکه رهیافت مشارکتی و توجه به مردم، به عنوان بهره‌برداران نهایی از نتایج طرح‌ها و برنامه‌ریزی‌های شهری، مقوله‌ای است که طی دهه‌های اخیر مورد توجه صاحب‌نظران حوزه برنامه‌ریزی شهری قرار گرفته، ولی مقوله سرمایه اجتماعی اغلب به دست فراموشی سپرده شده است. حال مسئله اساسی و سؤال اصلی تحقیق آن است که سرمایه اجتماعی، عوامل مؤثر در افزایش یا کاهش آن، محورها، معیارها، شاخص‌ها و به‌طور مشخص ابعاد مشارکتی آن و نقش و تأثیر این بعد از سرمایه اجتماعی در توسعه پایدار شهری چیست؟ از این‌رو هدف از انجام این پژوهش، سنجش میزان مشارکت شهروندی، به‌عنوان یکی از ابعاد مهم سرمایه اجتماعی می‌باشد. روش تحقیق، توصیفی - تحلیلی بوده و از ابزار پرسشنامه جهت گردآوری اطلاعات مورد نیاز استفاده شده است. با توجه به تعداد نمونه موردنیاز که بر اساس فرمول کوکران ۳۲۰ عدد تعیین گردید، پرسشنامه‌ها در منطقه سه، شهر زاهدان توزیع و پس از تکمیل و تلفیق با یافته‌های اسنادی، با استفاده از نرم‌افزار آماری Spss18 و آزمون T-Test یک متغیره مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج حاصل از تحلیل‌های کمی و کیفی این پژوهش حاکی از آن است که شهروندان منطقه سه کلانشهر زاهدان از نظر میزان مشارکت در امور شهر در وضعیت خوب و بالاتر از حد متوسط قرار دارند. بنابراین، مسئولین اجرایی و مدیریتی شهر می‌توانند از این پتانسیل و استعدادی که در بین شهروندان نهفته است با برنامه‌ریزی‌های منسجم و منظم این توانایی‌های بالقوه را به مرحله فعلیت رسانده و به‌منظور ارتقا کیفیت کارکرهای شهری و زندگی شهروندان بیش از گذشته از آن بهره‌گیرند.

کلید واژگان: سرمایه اجتماعی، مشارکت شهروندی، توسعه پایدار شهری، منطقه سه، شهر زاهدان.

مقدمه

سرمایه اجتماعی را از منظرهای مختلفی می‌توان بررسی کرد، اما مواردی که می‌توانند سرمایه اجتماعی را بهتر تبیین نمایند شامل: ۱. اعتماد (اجتماعی بین نژادها)، ۲. مشارکت سیاسی ۳. عضویت در گروه‌های اجتماعی ۴. ادیان و مذاهب می‌باشند. با این همه و متناسب با تعریف و ابعاد سرمایه اجتماعی، عوامل مؤثر در افزایش یا کاهش آن، محورها، معیارها و شاخص‌های اندازه‌گیری آن، طیفی به نسبت گسترده را از مسائل کلان و خرد دربردارد که مهمترین آنها عبارتند از:

- اعتماد و میزان آن بین شهروندان، حکومت و نهادهای برآمده از آن • احساس امنیت • تعاملات اجتماعی، شامل روابط همسایگی، خویشاوندی، دوستی و کاری • نهادهای عمومی و مدنی • عضویت در مجامع، باشگاه‌ها، انجمن‌ها و گروه‌های اجتماعی • تمایل به فعالیت در متن اجتماع و همکاری‌های اجتماعی • دسترسی به اطلاعات و میزان اطلاع‌رسانی در سطح جامعه • تحمل‌پذیری نسبت به تنوع و تکثر • ارزشمند دانستن زندگی • آگاهی عمومی • پایبندی حکومت به قانون و مقررات • احترام به یکدیگر • احساس وفاداری به کشور • تفکر عقلایی • نظم‌پذیری • کارآمدی حکومت • شرکت در انتخابات • روزنامه خواندن و غیره (Feinstein & Fainstein, 1996).

این منظر با وجود سابقه طولانی مشارکت در میان جوامع انسانی و عمل به آن، واژه‌های مشارکت و توسعه مشارکتی برای اولین بار در اواخر دهه ۱۹۵۰م بصورت آکادمیک مطرح گردید. علت توجه روزافزون به رویکردهای مشارکتی توسعه از دهه ۱۹۷۰م به بعد را می‌توان در کاستی‌های موجود در رهیافت‌های به‌کار رفته قبلی در زمینه توسعه و پیامدهای منفی ناشی از آن جست و جو کرد (عابدی سروسستانی، ۱۳۵۸: ۱۴۳).

امروزه با جایگزینی رویکرد "انسان محوری" بجای "فن محوری" در اندیشه توسعه ورزان، مرزبندی

جدیدی به نام الگوواره (پارادایم) قدیم و جدید بوجود آمده است که توسعه مشارکتی را می‌توان در قالب پارادایم جدید بازشناخت (شریعتی، ۱۳۸۳: ۳۴۰). در الگوواره قدیم، مردم دریافت‌کنندگان توسعه به شمار می‌آمدند. چنین رهیافتی از توسعه هر چند هم که دلسوزانه و با صحت فنی همراه باشد، در عمل به کنار ماندن از جریان توسعه و ناتوانمندی‌های جوامع می‌انجامد. زیرا چنانچه مشارکت به معنای رشد توانایی‌های اساسی بشر - از جمله شأن و منزلت انسانی - و مسئول ساختن بشر در باروری نیروی تصمیم‌گیری و عمل، به نحو سنجیده و از روی فکر در نظر گرفته شود (حامد مقدم، ۱۳۷۳: ۲۸۸)، وسیله‌ای خواهد بود تا مردم به کمک آن و بدون اتکای جدی به نهادهای رسمی بتوانند بر مشکلاتشان فایق آیند، یعنی خوداتکا شوند و نیازهای اساسی شان را رفع کنند (پاپلی یزدی و ابراهیمی، ۱۳۸۱: ۱۱۹). درعین حال سرمایه اجتماعی که شکل و نمونه ملموسی از یک هنجار غیر رسمی است و باعث همکاری بین دو یا چند فرد می‌شود (فوکویاما، ۱۳۷۹: ۱۶۹.۱۷۰)، دارای سابقه ذهنی و طولانی در علوم اجتماعی است (برغمندی، ۱۳۸۷: ۲۶۷). این اصطلاح اولین بار توسط هانیفان مطرح و سپس در ۱۹۶۰، جان جیکوبز در کتاب پرنفوذ و معروف "زندگی و مرگ در شهرهای بزرگ آمریکا" آن را به طور جد مورد مذاقه قرار داد (حاجی پور، ۱۳۸۵: ۴۳). این مفهوم در دهه ۱۹۹۰ بیش از پیش مورد توجه محافل دانشگاهی قرار گرفت (عبداللهی و موسوی، ۱۳۸۶: ۱۱۹) و به نحو چشمگیری با اقبال عمومی روبرو گشت؛ به طوری که امروزه در سطوح مختلف سیاست‌گذاری از محلی گرفته تا ملی، حتی در برخی از سازمان‌های بین‌المللی نظیر بانک جهانی از این مفهوم بهره‌گیری زیاد می‌شود (توکلی و تاجبخش، ۱۳۸۷: ۱۴۴). در واقع امروزه وجود سرمایه اجتماعی کلید استقرار جامعه مدنی و در نهایت نیل به

به توانمندی شهروندان و اثرگذاری آنان در برنامه‌های شهری، به طرح‌های توسعه شهری عمق بخشیده و مشروعیت آن را تضمین می‌کند (شیبانی، رضوی الهاشم، دلپسند، ۱۳۹۱: ۲۱۹).

درواقع بدون تعامل دولت، شهروندان، جامعه مدنی و انجمن‌های اجتماعی و سیاسی با حکومت، حکمرانی خوب شهری تحقق نمی‌یابد (ابراهیم پور و روشندل اربطانی، ۱۳۸۷: ۹). از این‌رو تاثیرگذاری و ارزش و اهمیت این موضوع باعث شد، تا این پژوهش به سنجش میزان مشارکت شهروندان در قالب سرمایه اجتماعی در منطقه سه، کلانشهر زاهدان بپردازد. باید-گفت این منطقه شهری از نظر میزان درآمد شهروندان از سایر مناطق کلانشهر زاهدان پایین‌تر بوده و بیشترین سکنه حاشیه‌نشین شهری را در خود جای داده‌است. اینک سوال اصلی پژوهش با توجه به موضوع و محدوده مورد مطالعه که باید جوابی علمی برای آن ارائه نمود آن است که مشارکت شهروندان در ابعاد سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در منطقه سه، شهر زاهدان به چه میزان و نسبتی بوده است. لذا متناسب با این سؤال این فرضیه اساسی مطرح می‌گردد که به-نظر می‌رسد بین میزان مشارکت شهروندی و توسعه کارکردهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در منطقه سه شهر زاهدان رابطه معناداری وجود دارد.

روش تحقیق

این تحقیق که از نوع کاربردی- توسعه‌ای است با روش توصیفی- تحلیلی مورد بررسی و تحلیل قرار-گرفته و برای پاسخگویی به سؤالات و ارائه راه حل برای مسأله تحقیق، فرضیه فوق‌الذکر مورد آزمون قرار گرفته‌است. برای گردآوری اطلاعات به دو روش اسنادی و پیمایشی (پرسشنامه، مصاحبه و مشاهده) داده‌ها تهیه و گردآوری گردید. پرسشنامه پژوهشگر بر اساس یافته‌های چارچوب نظری صورت گرفته شده- است و سعی بر آن بوده تا برای سنجش تمامی گویه‌ها، از مقیاس اندازه‌گیری طیف پنج گزینه‌ای لیکرت با

توسعه پایدار محسوب می‌شود. یکی از جنبه‌های مهم سرمایه اجتماعی حکمرانی خوب شهری است که به-واسطه ارتباط با تمامی جنبه‌های فردی و جمعی زندگی شهروندان، مسأله شماره یک انسان امروز بوده و در مدیریت مطلوب شهری ضرورتی انکارناپذیر به شمار می‌آید. گروه تحقیق مؤسسه بین‌المللی علوم اداری، مواردی همچون درجه مشروعیت، نمایندگی، مسئولیت و کارایی را به‌عنوان معیارهای نمونه برای ارزیابی حکمروایی برشمرده‌است (Srinivas, 1996 : 1). در واقع حکمروایی شهری، فرایندی است که براساس کنش متقابل میان سازمان‌ها و نهادهای رسمی اداره شهر از یک طرف و سازمان‌های غیر دولتی و تشکل-های جامعه مدنی از طرف دیگر شکل می‌گیرد. از این-رو حکمرانی موضوعی، درباره نحوه تعامل دولت‌ها و سایر سازمان‌های اجتماعی با یکدیگر، نحوه ارتباط با شهروندان و نحوه اتخاذ تصمیمات، در جهانی پیچیده است. فرایندی است که از آن طریق جوامع با سازمان-ها تصمیمات خود را اتخاذ و مشخص می‌کنند چه کسانی در این فرایند درگیر شوند و چگونه وظیفه خود را به‌انجام برسانند.

حکمرانی خوب (Governance Good) بر تبیین چگونگی حکمرانی دولت‌ها و به‌طور خاص بر رابطه حکومت با شهروندان دلالت داشته و مهمترین شاخصه‌های آن از جمله تاکید بر حاکمیت قانون، پاسخگویی دولت‌ها، مشارکت گسترده مردم در فرایند حکومت‌داری، مسئولیت‌پذیری و عدالت‌جویی حکومت، کارایی و اثر بخشی آن انعکاس یافته‌است. شاخصه-های اصلی حکمرانی عبارتند از: - دولت - بخش خصوصی(شهروندان) و - جامعه مدنی(سازمان‌های غیردولتی(NGOs)، سازمان‌های خیریه و داوطلبانه، انجمن‌های علمی، ادبی، هنری، ورزشی و باشگاه‌های شهری و غیره نیز از جمله الزامات حکمرانی خوب شهری، به‌منظور ایجاد تعادل بین سه عنصر اصلی حکمروایی یعنی دولت، بخش خصوصی و سازمان‌های جامعه مدنی است. اصول باور و اعتماد مدیریت شهری

بین افراد فوق پاتنام نقش بارزی دارد. وی در رابطه با تفاوت فاحش در توسعه شمال و جنوب ایتالیا به این نتیجه می‌رسد که سرمایه اجتماعی در شمال حضور و کارایی بیشتری داشته، لذا دموکراسی و توسعه توانسته بهتر عمل کند. اصول در جامعه‌ای که از نعمت سرمایه اجتماعی چشم‌گیری برخوردار است، همکاری آسان‌تر است. این سرمایه به‌عنوان یک منبع با مالکیت جمعی متعلق به محله، جوامع، مناطق و بخش‌ها بوده و می‌تواند متغیر، کوچک و بزرگ و یا زیاد و یا کم باشد (ازکیا و فیروزآبادی، ۱۳۸۷: ۸۱). مفهوم سرمایه اجتماعی با سه عنصر و شاخص اصلی شناخته می‌شود. در گرایش‌ها و تمایلات رفتاری به اعتماد و هنجارهای تمایل به کار گروهی و در بعد الگوی ساختاری به انجمن‌پذیری و مشارکت اشاره می‌کنند (Offe & Fuche, 2002, 189). اما اصل وجودی سرمایه اجتماعی، راه حلی است که از آن برای غلبه بر مشکلات اجتماعی گوناگون مانند فقر، جرم و جنایت، اقتصاد عقب مانده و حکومت‌های کم‌بازده بهره‌می‌گیرند. به عبارتی دیگر، سرمایه‌ای است که مردم برای حل مشکلات عمومی بهره‌برداری و تبیین می‌کنند (Adam & Roncevic, 2003, 155). بنابراین اگر چه تعاریف متفاوتی از سرمایه اجتماعی ارائه شده، اما این تعاریف نقیض یکدیگر نیستند، بلکه متمم و مکمل یکدیگر محسوب می‌شوند (ابراهیم‌زاده و دیگران، ۱۳۸۹: ۴۴-۴۵). از این رو در صورتی که بپذیریم تنها برخورداری از منابع مالی و نیروی انسانی نتوانسته جوامع را به سوی رشد و توسعه اجتماعی سوق دهد، باید رکن سومی نیز برای دستیابی به توسعه قایل شویم و آن سرمایه اجتماعی است. در واقع میزان اثر بخشی و کارایی دو منبع اول عمدتاً به میزان برخورداری از سرمایه اجتماعی بستگی دارد. از این گذشته سرمایه اجتماعی که در واقع از ارزش‌ها و هنجارهای جامعه، استحکامات تعهدات متقابل بین افراد، گروه‌ها و تا حدودی زیادی مشارکت اجتماعی تامین می‌شود، حافظ جامعه و گروه‌های اجتماعی در

دامن پاسخ‌های ۱ (خیلی کم، هرگز یا هیچ) تا ۵ (خیلی زیاد یا عالی) بهره گرفته شود.

جامعه و نمونه آماری

محدوده جغرافیایی پژوهش منطقه سه کلانشهر زاهدان بوده و جامعه آماری پژوهش شامل کلیه افراد ۲۰ سال به بالای این منطقه بوده است. حجم نمونه در این پژوهش با استفاده از فرمول برآورد کوکران (حافظ نیا، ۱۳۸۳: ۱۱۵) و با ضریب اطمینان ۹۵٪ تعداد ۳۲۰ شهروند برآورد شده، که به روش تصادفی ساده انتخاب شده‌اند. روایی محتوایی و ظاهری پرسشنامه با نظرخواهی از صاحب نظران موضوع، پس از اصلاح و بازنگری مورد تایید قرار گرفته، و پایایی (اعتماد) پرسشنامه از روش آلفای کرونباخ تعیین شده که میزان محاسبه شده آن ۷۰٪ بوده که نشان از انسجام درونی پرسشنامه و اعتبار آنها برای گردآوری داده‌ها، دارد. علاوه بر آن به منظور تکمیل و تعمیق یافته‌ها، از روش مصاحبه با اهالی شهر و تجربیات نگارنده‌گان در منطقه نیز بهره‌گیری شده است.

مبانی نظری پژوهش

اصولاً سرمایه اجتماعی ماده خام جامعه مدنی است که از تعاملات هر روزه بین افراد به وجود می‌آید (شریفیان‌ثانی، ۱۳۸۰: ۶). این مفهوم گرچه قدیمی است، اما تنها اصطلاحی است که طی سالهای اخیر خوش درخشیده است. زیرا این مفهوم با دیدگاه نویسندگان مکتب تاریخی از قبیل دورکیم، زیمل، مارکس، وبر و دیگران و با نظریه‌های مبادله اجتماعی و نظریه قرارداد روانشناسی پیوند یافته است (Watson & Papamarcos, 2002: 31). این پیشرفت مرهون چهار تألیف کلیدی، بوردیو، کلمن، پاتنام و فوکویاما است. از نظر آنها سرمایه اجتماعی شامل روابط متقابل، وجود هنجارهای مشترک، اعتماد و مشارکت در سطح گروه اجتماعی است (جوهری و باقری، ۱۳۸۷: ۳۷). در

قالب مشارکت مدنی (انجمن‌ها و احزاب...) به دلیل ارایه چارچوب فرهنگی برای همکاری مولد هنجارهای اعتماد و همیاری هستند (توسلی و موسوی، ۱۳۸۴: ۱۵). با توجه به مفهوم شبکه، در محله به دلیل مشترکات، علایق و روابط چهره به چهره ساکنان آن، سرمایه اجتماعی نمود بیشتری داشته و در عین حال با شمول ارزش‌هایی چون اعتماد، همبستگی و یکپارچگی اجتماعی به‌عنوان ظرفیت‌های درونی و ثروتی پنهان در محلات، اقدام غیرمتمرکز و از پایین به بالا را نوید بخش می‌باشد (خواجه شاهکویی، مدانلو جویباری، صمدی، ۱۳۹۲: ۱۶). در واقع سرمایه اجتماعی در سطح محله با ایجاد یک ساخت چند سطحی تلاش می‌کند تا اعتماد شهروندان را جلب و مدیریت و برنامه‌ریزی مشارکتی در محله را توسعه دهد. در شکل‌گیری سرمایه اجتماعی ساختاری شکل‌ها، نهادها و شبکه‌ها نقش تعیین‌کننده‌ای دارند (عبداللهی، ۱۳۹۲: ۱۷۲).

ب) هنجارهای اجتماعی: هنجارهای اجتماعی حق کنترل یک عمل را از یک کنشگر به دیگران انتقال می‌دهند. هنجارها از طریق تشویق‌ها و مجازات‌ها به افراد جامعه آموخته می‌شوند. به‌طوری‌که در بسیاری از جوامع، هنجارهای قوی و شبکه‌های مشارکت، خطر عهدشکنی را به حداقل می‌رساند (پاتنام، ۱۳۸۰: ۲۸۸). تهدید به محرومیت از حقوق اجتماعی - اقتصادی یک هنجار قدرتمند و قابل اتکا در جامعه است، زیرا در جوامعی که مردم می‌توانند مطمئن باشند اعتماد مورد سوء استفاده قرار نمی‌گیرد احتمال زیادتری برای تعامل وجود دارد.

ج) اعتماد: اعتماد همکاری میان افراد را تسهیل می‌کند و خود همکاری نیز اعتماد ایجاد می‌کند. اعتماد مستلزم پیش‌بینی رفتار یک بازیگر مستقل است. در جوامع کوچک و به‌هم‌پیوسته این پیش‌بینی بر اساس اعتماد صمیمانه صورت می‌گیرد؛ یعنی اعتمادی که به آشنایی‌های نزدیک افراد بستگی دارد، اما در جوامع بزرگتر یک اعتماد غیرشخصی تر ضرورت

بحران‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی است و می‌تواند از توقف جامعه در مرحله عقب‌ماندگی جلوگیری کند (مدنی قهفرخی، ۱۳۸۲: ۱۲). براین اساس صاحب‌نظران شاخص‌های مختلفی را برای تبیین سرمایه اجتماعی بیان می‌کنند که شاخص‌های اعتماد و شبکه‌های مشارکت، عنصر مشترک همه آنها است. در واقع می‌توان گفت سرمایه اجتماعی مجموعه‌ای از هنجارهای موجود در نظام‌های اجتماعی است، که منابع ایجادکننده آن عبارتند از:

۱- هنجارهایی که به لحاظ نهادی ساخته شده‌اند (ساخت‌مندی‌های نهادی) و منتج از نهادهای رسمی مانند: دولت و نظام‌های قانونی.

۲- هنجارهای خودجوش (ساخت‌مندی‌های خودجوش) و برخاسته از کنش‌های متقابل اعضای یک جامعه.

۳- ساخت‌مندی‌های برون‌زا که برخاسته از اجتماعی غیر از اجتماع مبدأ خودشان هستند و می‌توانند از دین، ایدئولوژی، فرهنگ و تجربه تاریخی مشترک نشأت بگیرند.

۴- هنجارهایی که از طبیعت ریشه گرفته‌اند (ساخت‌مندی‌های طبیعی) مثل خانواده، نژاد و قومیت (فوکویاما، ۱۳۷۹: ۲۳).

از نظر "پاتنام" شاخص‌های سرمایه اجتماعی، اعتماد، هنجارها و شبکه مشارکت اجتماعی هستند که با تسهیل کنشها، کارایی جامعه را به شرح ذیل بهبود می‌بخشند:

الف) شبکه‌های مشارکت اجتماعی: روابط اجتماعی افراد و تعاملات آنان با یکدیگر، بنیادی‌ترین جزء سرمایه اجتماعی را تشکیل می‌دهند و شبکه‌ها نیز به عنوان خاستگاه دو مولفه دیگر سرمایه اجتماعی، یعنی هنجارهای اعتماد و همیاری به‌شمار می‌آید (Putnam & Goss, 2002: 6). با تفکیک شبکه‌های افقی یا مساوات‌طلب از شبکه‌های عمومی یا انحصار-طلب، نوع دوم را فاقد برقراری اعتماد و هنجارهای همیاری معرفی می‌نماید. از نظر او شبکه‌های افقی در

۱۳۹۲: ۱۸۴). در عین حال احساس رضایت شهروندان از محیط شهر و خدماتی که شهرداری ارائه می‌نماید عامل مهمی در ایجاد انگیزه در مردم برای مشارکت در توسعه شهری و بهبود کیفیت محل سکونت خویش است و در عین حال احساس تبعیض در ارائه خدمات از سوی شهرداری در مناطق مختلف شهر، موجب یأس، ناامیدی و عدم مسئولیت‌پذیری شهروندان می‌شود (ابراهیم زاده و کاظمی زاد، ۱۳۹۲: ۲).

عوامل تعیین کننده سرمایه اجتماعی

- جامعه مدنی

منظور از جامعه مدنی، جامعه‌ای است که در آن شاهد گروه‌ها و انجمن‌هایی هستیم که مستقل از دولت و بازار عمل می‌کنند. به اعتقاد پاتنام، این نوع گروه‌ها با تقویت اعتماد اجتماعی، نقش مهمی در انباشت سرمایه اجتماعی (هم از نوع پیونددهنده و هم از نوع متصل‌کننده) دارند. افرادی که عضو سازمان‌ها و انجمن‌های داوطلبانه هستند، احتمال زیادی دارد که در امور جامعه نیز مشارکت نموده و به دیگران اعتماد کنند. البته نباید این فرضیه ساده را در ذهن داشت که صرف ایجاد سازمان‌های بیشتر از این نوع، حتماً به افزایش اعتماد اجتماعی و مشارکت اجتماعی ختم خواهد داشت. همیشه این طور نیست زیرا نوع فعالیت‌های این سازمان‌ها نیز مهم است. تحقیقات نشان داده که انواع خاصی از این سازمان‌ها و انجمن‌ها بیشتر از بقیه به تشکیل و تقویت سرمایه اجتماعی کمک می‌کنند (شارع پور، ۱۳۸۵: ۱۸).

- مشارکت^۱

واژه مشارکت از حیث لغوی به معنای درگیری و تجمع برای منظوری خاص می‌باشد، ولی در مجموع می‌توان جوهره اصلی آن را درگیری، فعالیت و تأثیرپذیری دانست (علوی تبار، ۱۳۷۹: ۱۵). در واقع مشارکت مردم به معنای شرکت داوطلبانه و ارادی

دارد (شادی طلب و جحتی کرمانی، ۱۳۸۷: ۳۷). به عبارت دیگر طبق نظر فوکویاما، اعتماد حاکم بر روابط اعضای خانواده یا قوم و قبیله لزوماً به روابط افراد در جامعه سرایت نمی‌کند. در اینجا اعتماد تعمیم یافته مهم است و منظور از آن، اعتماد به افراد ناشناس می‌باشد. به‌طور معمول سطح اعتماد در میان خانواده‌ها در همه جوامع بالاست. آنچه باعث ایجاد تفاوت‌های اساسی میان کشورها و مناطق می‌شود، میزان اعتماد تعمیم یافته است (رحمانی و امیری، ۱۳۸۶: ۲۸). بولن و انیکس (۱۹۹۹)، از همین دیدگاه هشت عنصر مهم سرمایه اجتماعی را بدین شرح مطرح کرده اند (شریفیان ثانی و ملکی سعیدآبادی، ۱۳۸۵: ۹):

مشارکت در اجتماع محلی، کنش در یک موقعیت اجتماعی، احساس اعتماد و امنیت، پیوندهای همسایگی، پیوندهای دوستی و خانوادگی، ظرفیت پذیرش تفاوت‌ها، بهادادن به زندگی، پیوندهای کاری. اینک می‌توان گفت سرمایه اجتماعی نیز می‌تواند در سه سطح مورد بررسی قرار گیرد:

الف) سطح فردی یا خرد: به‌طور معمول، هر یک از افراد جامعه در شبکه یا شبکه‌های عضویت دارند. منافع ناشی از این عضویت می‌تواند برای فرد مفید واقع شود.

ب) سطح گروهی یا میانه: روابط مبتنی بر اعتماد میان اعضای گروه موجب تشکیل سرمایه اجتماعی می‌شود. این سرمایه در اختیار تمامی اعضای گروه قرار دارد تا از آن برای پیشبرد امورشان استفاده کنند.

ج) سطح اجتماعی یا کلان: تعداد زیاد گروه‌های داوطلبانه در جامعه و روابط افقی میان آنها که مبتنی بر اعتماد است، سرمایه‌ای اجتماعی را تولید می‌کند که همه اعضای جامعه از آن بهره‌مند خواهند بود در منبع نیامده

اصولاً ساختار شهری متشکل از شهروند، مدیریت شهری و کالبد شهر می‌باشد که هر کدام از اجزا با انجام به موقع کارکرد خود به حفظ پایداری اجتماعی شهر کمک شایانی می‌نمایند (نوابخش، پورموسوی، تاجیک،

کاظمیان، ۱۳۸۰: ۳۳-۳۲). از این رو برخی دیگر از صاحب نظران علوم اجتماعی، معتقدند که مشارکت درگیری ذهنی و عاطفی اشخاص در موقعیت‌های گروهی است که آنان را برمی‌انگیزد تا برای دستیابی به هدف‌های گروهی یکدیگر را یاری دهند و در مسئولیت کار شریک شوند (نوذریور، ۱۳۸۰: ۴). مشارکت دربرگیرنده درگیری ذهنی و عاطفی اشخاص در موقعیت‌های گروهی است که آنان را برمی‌انگیزد تا برای دستیابی به هدف‌های گروهی یکدیگر را یاری-دهند و در مسئولیت کار شریک شوند، لذا سه جز مهم درگیر شدن، یاری دادن و مسئولیت از اهم کارکردهای مشارکتی شهروندان می‌باشد (حسینی، قدرتی، میره، زنگنه، ۱۳۹۲: ۴۷).

آن‌ها در فرایند توسعه است و مشارکت مردم در روند توسعه از چنان اعتباری برخوردار است که توسعه را معادل مشارکت دانسته‌اند (ابراهیم زاده، ۱۳۷۷: ۲-۱). همچنین مشارکت کردن به معنی سهم در چیزی یافتن و از آن سود بردن و یا در گروهی شرکت جستن و با آن همکاری داشتن نیز است. به همین جهت از دیدگاه جامعه شناختی باید بین مشارکت به معنی حالت یا وضع (امر شرکت کردن) و مشارکت به عنوان عمل و تعهد (عمل مشارکت) تفاوت قائل شد. زیرا مشارکت در معنای دوّم از تعلق به گروه خاصی داشتن و سهم داشتن در هستی آن خبر می‌دهد و معنای شرکت فعالانه در گروه را می‌رساند و به فعالیت اجتماعی انجام شده نظر دارد (سعیدی رضوانی و



شکل ۱: سه جزء مهم مشارکت (مشکلانی، ۱۳۸۳: ۲۳).

یافته‌های پژوهش

الف) یافته‌های اولیه

توصیف ویژگی‌های منطقه مورد مطالعه و همچنین اطلاعات کلی و توصیفی از برخی شهروندان که نمونه‌های مورد مطالعه این پژوهش هستند از یافته‌های اولیه به شمار می‌روند که به شرح زیر است:

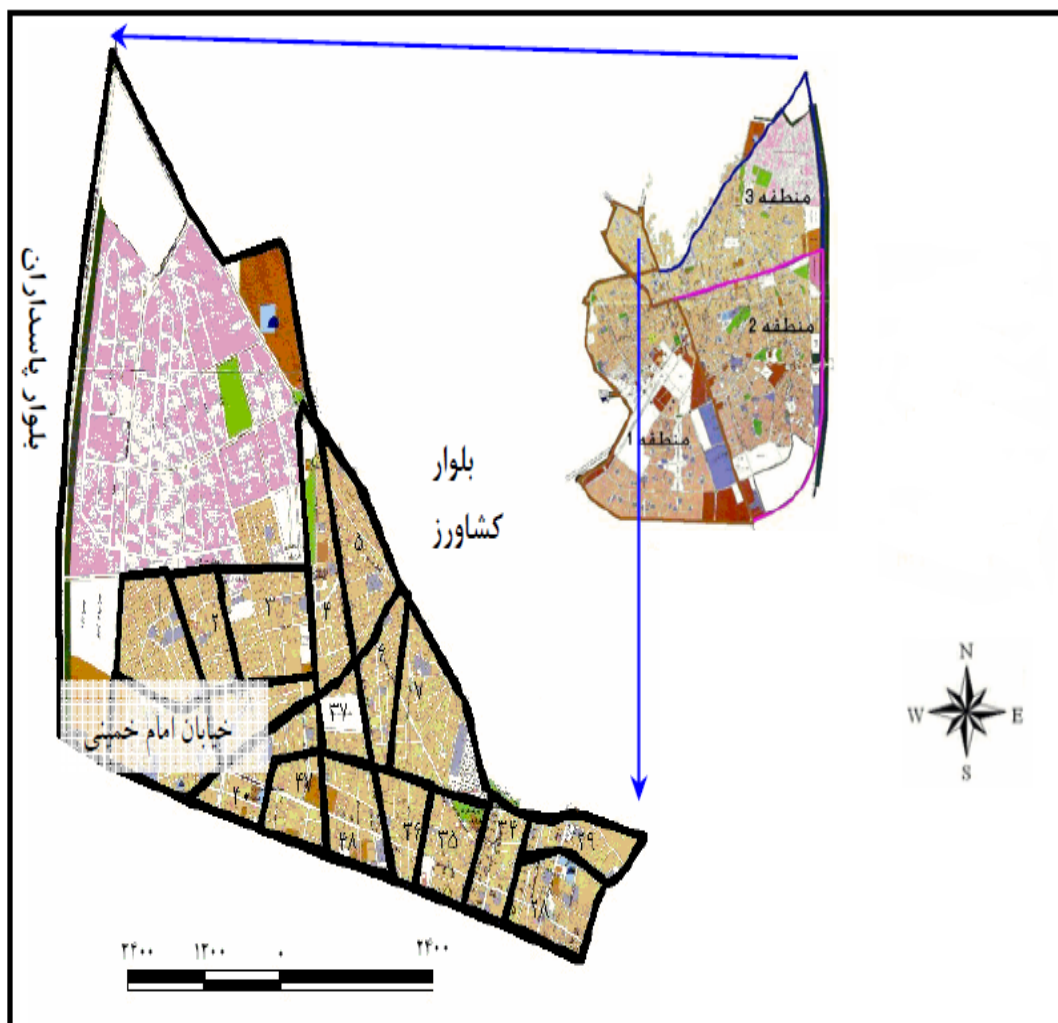
۱- منطقه سه شهرداری زاهدان با وسعتی معادل ۲۱۵۰ هکتار، دارای محدوده‌ای جغرافیایی است که از شمال به بلوار رسالت و کشاورز، از جنوب به خیابان امام خمینی، از شرق به بلوار پاسداران و از غرب به

اینک باید توجه داشته باشیم که مشارکت امری دو طرفه است. می‌توانیم بگوییم مشارکت فرایندی است که در آن طرفین قضیه جهت رسیدن به هدفی خاص تشریک مساعی می‌نمایند که باعث تشریک اقتدار می‌گردد و در واقع، از شروط مشارکت در یک جامعه وجود تمایل به تقسیم قدرت تصمیم‌گیری می‌باشد. در صورتی که در نظام سیاسی و حکومتی چنین تمایلی وجود نداشته باشد، میل به مشارکت و زمینه مشارکت وجود نخواهد داشت و مشارکت جنبه شعارگونه به خود می‌گیرد. (پاور، ۱۳۸۰: ۱۰).

کننده طرح جامع شهر زاهدان در تقسیم بندی مناسب مناطق شهری دانست؛ به هر حال منطقه‌ی ۳ شهری زاهدان شامل ۶ ناحیه و ۱۸ محله می‌باشد. این منطقه که اکثر حاشیه‌نشینان شهری در آن سکونت دارند، شامل منطقه پشت گاراژها، بابائیان و کارخانه نمک می‌شود. در واقع، حاشیه‌نشینی حاکم بر این منطقه شهری، زاده روابط تولیدی-اقتصادی نامتعادل فضایی و جذابیت کاذب شهری می‌باشد (علی‌آبادی، ۱۳۸۱: ۵).

۲- طبق بررسی‌های میدانی انجام شده در منطقه سه کلانشهر زاهدان، از مجموع نمونه آماری ۳۲۰ نفر شهروند ۲۰ سال به بالای زاهدانی که به پرسشنامه‌ها پاسخ داده‌اند، تعداد ۳۲ نفر بی سواد هستند که چیزی حدود ۱۰٪ را به خود اختصاص می‌دهند و تعداد ۳۳ نفر هم دارای تحصیلات ابتدایی هستند که چیزی معادل ۱۰٪ از کل پاسخگویان را به خود اختصاص می‌دهند. ۶۷ نفر از شهروندان دارای تحصیلات راهنمایی بوده که ۲۰٪ کل پاسخگویان هستند. افرادی که در مقطع دبیرستان و دیپلم تحصیل کرده‌اند و یا مدرک گرفته‌اند ۱۰۵ نفر بوده‌اند که چیزی معادل ۳۲٪ از کل پاسخگویان را به خود اختصاص می‌دهند و در آخر هم، تعداد ۸۳ نفر یعنی چیزی معادل ۲۵٪ از کل پاسخگویان هستند که دارای مدرک دانشگاهی بوده‌اند.

کمربندی شهیدکلانتری ختم می‌شود. بر اساس طرح تفصیلی تهیه شده توسط مهندسین مشاور شهر و خانه، منطقه سه زاهدان شامل ۶ ناحیه می‌باشد که دربرگیرنده نواحی ۱، ۲، ۷، ۸، ۹ و ۱۲ می‌باشند؛ در عین حال، هر ناحیه نیز شامل محلات زیر مجموعه خود می‌باشد. بر اساس طرح تفصیلی، محلات ۱، ۲، ۳ و ۴ زیرمجموعه ناحیه ۱ را تشکیل می‌دهند که تمامی محلات آن هم در محدوده منطقه سه محسوب می‌شوند. ناحیه‌ی ۲ نیز از محلات ۵، ۶ و ۷ تشکیل یافته است که تمامی محلات آن نیز در محدوده منطقه سه جای گرفته است؛ ناحیه‌ی ۷ از محلات ۲۸، ۲۹، ۳۰ و ۳۱ تشکیل یافته که تنها محلات ۲۸ و ۲۹ در محدوده جغرافیایی منطقه سه واقع شده است و بقیه محلات آن جزء این منطقه محسوب نمی‌شوند. ناحیه‌ی ۸ از محلات ۳۳، ۳۲، ۳۴، ۳۵ و ۳۶ تشکیل یافته که تنها محلات ۳۴، ۳۵ و ۳۶ آن در منطقه سه می‌باشند. ناحیه‌ی ۹ از محلات ۳۷، ۳۸، ۳۹ و ۴۰ تشکیل شده که تمامی محلات این ناحیه جزء منطقه سه زاهدان می‌باشد. در نهایت، ناحیه ۱۲ که شامل محلات ۴۷، ۴۸، ۵۰، ۴۹ و ۵۱ می‌باشد و تنها ۲ محله‌ی ۴۷ و ۴۸ آن جزء منطقه سه است و سایر محلات آن جزء منطقه ۲ شهری زاهدان محسوب می‌گردند. این عدم تطبیق کامل نواحی با مناطق شهری زاهدان را باید در عدم توجه مهندسین تهیه-

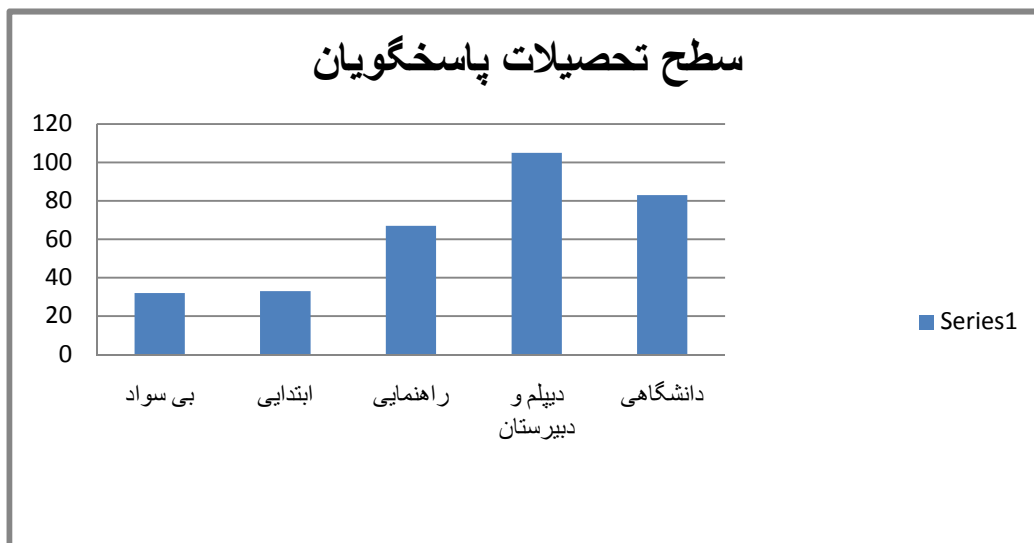


شکل ۲: نقشه پراکنده‌گی فضایی - مکانی محلات در منطقه سه، شهر زاهدان (مأخذ: شهرداری زاهدان ۱۳۹۰).

جدول ۱: توزیع فراوانی تحصیلات در منطقه

| سطوح | فراوانی | درصد |
|------------------|---------|-------|
| بی سواد | ۳۲ | ۱۰.۰ |
| ابتدایی | ۳۳ | ۱۰.۳ |
| راهنمایی | ۶۷ | ۲۰.۹ |
| دیپلم و دبیرستان | ۱۰۵ | ۳۲.۸ |
| دانشگاهی | ۸۳ | ۲۵.۹ |
| کل | ۳۲۰ | ۱۰۰.۰ |

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۰.



شکل ۳. نمودار سطح تحصیلات پاسخگویان (مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۰).

نتایج حاصل از بررسی پاسخ به این سوالات توسط شهروندان، بر اساس طیف ۵ گزینه‌ای لیکرت به شرح جدول زیر می‌باشد.

جدول ۲: وضعیت کیفی مؤلفه مشارکت اجتماعی

| متغیر | میانگین | انحراف معیار |
|----------------|---------|--------------|
| مشارکت اجتماعی | ۳.۱۶ | ۰.۷۳ |

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۰.

اینک با توجه به اینکه، سوالات پرسشنامه بر اساس طیف ۵ گزینه‌ای لیکرت طراحی شده‌اند و حد متوسط آن عدد ۳ در نظر گرفته شده‌است. بر این اساس، می‌توان گفت که در این جدول وضعیت مشارکت اجتماعی فراتر از حد متوسط با کسب نمره ۳/۱۶ بوده که این امر نشان می‌دهد که شهروندان منطقه سه از نظر مشارکت اجتماعی؛ در امور محله و شهر خود در شرایط نسبتاً خوبی قرار دارند. انحراف معیار هم ۰/۷۳ محاسبه شده‌است و نشان‌دهنده آن است که میزان پراکندگی نمرات کسب شده حول میانگین کم بوده است.

چنانکه نمودار ستونی فوق نشان می‌دهد؛ اکثر پاسخگویان دارای مدرک دیپلم بوده‌اند و یا اینکه در مقطع دبیرستان تحصیل کرده‌اند. افراد دارای تحصیلات دانشگاهی هم از نظر فراوانی در رده بعدی قرار می‌گیرند. مقطع راهنمایی از نظر فراوانی در رتبه سوم قرار می‌گیرد و افراد دارای تحصیلات ابتدایی و بی‌سواد هم در رده‌های بعدی قرار داده‌اند.

ب- یافته‌های اختصاصی

در این بخش وضعیت کیفی یکی از مهم‌ترین عناصر اصلی سرمایه اجتماعی یعنی میزان مشارکت شهروندان در سه بعد اجتماعی، سیاسی و اقتصادی مورد بررسی قرار گرفته که به شرح زیر است:

- مشارکت اجتماعی؛ سؤالاتی که با سنجش این مؤلفه مرتبط بوده، به ترتیب زیر می‌باشند؛
 ۱. میزان علاقه‌مندی خود را به شرکت در انجمن‌های مردمی و غیردولتی (NGOs) چگونه ارزیابی می‌کنید؟
 ۲. چقدر علاقه‌مند هستید که در امور عمومی مربوط به محله خود مشارکت فعال داشته‌باشید؟
 ۳. میزان علاقه‌مندی شما به شرکت در مجالس مذهبی چقدر می‌باشد؟

یافته‌های این جدول نشان می‌دهد که وضعیت مشارکت اقتصادی در بین شهروندان منطقه سه فراتر از حد متوسط است؛ زیرا کسب نمره میانگین ۳/۳۸ نشان از این ادعا دارد. در واقع، میزان علاقه‌مندی شهروندان این منطقه شهری در خصوص مشارکت مالی با شهرداری و همچنین میزان علاقه‌مندی آن‌ها به همیاری یدی و کاری با آن، در شرایط بالاتر از حد متوسط می‌باشد. انحراف از معیار نیز چون به عدد ۱ خیلی نزدیک است (۰/۹) و نشان می‌دهد که نمرات کسب شده دارای پراکندگی کمتری از شاخص میانگین می‌باشند. در جمع‌بندی نهایی در خصوص وضعیت کیفی میزان مؤلفه‌های مشارکت شهروندان منطقه سه شهری زاهدان، در امور شهری، به شرح جدول زیر است؛

جدول ۵: وضعیت کیفی مؤلفه مشارکت

| متغیر | میانگین | انحراف معیار |
|--------------|---------|--------------|
| میزان مشارکت | ۳.۳۰ | ۰.۵۰ |

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۰.

اینک بطور کلی می‌توان گفت، میزان مشارکت (اعم از سیاسی، اجتماعی، اقتصادی) شهروندان که یکی از ابعاد مهم سرمایه اجتماعی است چه از نظر قصد و انگیزه مشارکت و چه از نظر عمل به آن، در بین شهروندان منطقه سه زاهدان در حد بالایی است، زیرا میانگین ۳/۳۰ از طیف لیکرت برای آن این وضعیت را به‌خوبی نشان می‌دهد. میزان پراکندگی نمرات کسب شده هم در حد متوسطی می‌باشد که مقدار آن ۰/۵۰ گزارش شده است.

آزمون فرضیه پژوهش

به نظر می‌رسد میزان مشارکت (اقتصادی، اجتماعی، سیاسی) در بین شهروندان منطقه سه در حد متناسبی می‌باشد.

- مشارکت سیاسی؛ سؤالاتی که از طریق آن‌ها به سنجش این مؤلفه پرداخته شده‌است، به ترتیب زیر می‌باشد:

 ۱. میزان علاقه‌مندی خود را به شرکت در انتخابات شوراها شهر چگونه ارزیابی می‌کنید؟
 ۲. میزان علاقه‌مندی خود را در نامزد شدن برای انتخابات شورای محله و شهر چگونه ارزیابی می‌کنید؟

نتایج حاصل از بررسی پاسخ‌های داده شده به این سوالات از سوی شهروندان به شرح زیر است؛

جدول ۳: وضعیت کیفی مؤلفه مشارکت سیاسی

| متغیر | میانگین | انحراف معیار |
|--------------|---------|--------------|
| مشارکت سیاسی | ۲.۹۶ | ۰.۸۳ |

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۰.

در توضیح این جدول می‌توان گفت، از نظر مشارکت سیاسی نیز شهروندان در وضعیت نسبتاً متناسبی به سر می‌برند، زیرا میانگین پاسخ‌ها با کسب عدد ۲/۹۶ نشان می‌دهد که وضعیت مشارکت سیاسی نزدیک به حد متوسط (عدد ۳) است. انحراف از معیار هم عدد ۰/۸۳ گزارش شده است که نشان از نزدیکی آن به عدد ۱ دارد و نشان از پراکندگی ناچیز نمرات کسب شده حول میانگین است.

- مشارکت اقتصادی؛ سؤالی که به سنجش این مؤلفه می‌پردازد، بدین صورت بوده‌است:

 ۱. چقدر علاقه‌مند هستید در ارتباط با امور و نیازمندی محله خود با شهرداری مشارکت مالی، کاری یا یدی داشته باشید؟

جدول ۴: وضعیت کیفی مؤلفه مشارکت اقتصادی

| متغیر | میانگین | انحراف معیار |
|----------------|---------|--------------|
| مشارکت اقتصادی | ۳.۳۸ | ۰.۹۰ |

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۰.

جغرافیا و آمایش شهری - منطقه‌ای، سال چهارم، شماره ۱۱، تابستان ۱۳۹۳

می‌نماید. در عین حال، به‌منظور بهره‌گیری از آزمون کمی، نتایج حاصل از بررسی مؤلفه‌های مشارکت شهروندان منطقه سه شهر زاهدان در امور شهری از آزمون T-Test یک متغیره نیز استفاده شده است که نتایج آن به شرح زیر است:

در بررسی‌های کیفی با توجه به گزینه‌ها و سؤالات و با توجه به اینکه سؤالات بر اساس طیف لیکرت طراحی شده‌اند و مقدار متوسط عدد ۳ در نظر گرفته شده‌است، لذا با توجه به نتایج حاصل از تحلیل آن که در جدول شماره ۵ آمده است، فرضیه پژوهش را تأیید

جدول ۶: آزمون T یک متغیره

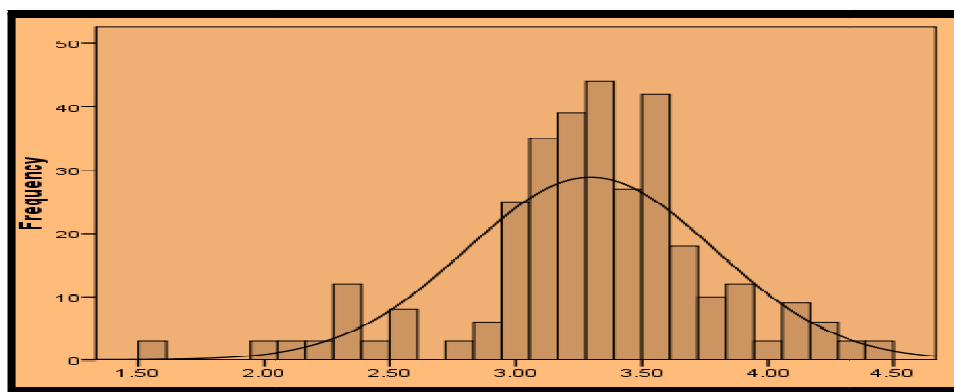
| مقدار آزمون: ۳ | | | | | |
|----------------|---------|--------------|---------|------------|--------------|
| متغیر | میانگین | انحراف معیار | آماره t | درجه آزادی | سطح معناداری |
| میزان مشارکت | 3.2962 | 0.49186 | 10.77 | 319 | 0.000 |

$P < 0.05$

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۰.

است که میزان مشارکت (اقتصادی، اجتماعی، سیاسی) در بین شهروندان منطقه ۳ شهر زاهدان از حد متوسط بالاتر می‌باشد. لذا فرضیه پژوهش تأیید می‌شود. نمودار هیستوگرام زیر نیز این امر را تأیید می‌کند:

در جدول فوق با توجه به میزان آماره t و با توجه به سطح معناداری و مقایسه آن که $\text{sig} = 0/000$ از ۰/۰۵ کوچک‌تر است، لذا فرض برابری میانگین میزان مشارکت (اقتصادی، اجتماعی، سیاسی) با مقدار متوسط = ۳ یا کمتر از آن رد می‌شود. این بدان معنا



شکل ۴. نمودار هیستوگرام یافته‌های فرضیه پژوهش

بالاتر از متوسط می‌باشد. درواقع می‌توان گفت، وضعیت مشارکت در بین شهروندان منطقه سه شهر زاهدان خوب و در حد بالایی است؛ این بدان معنی است که شهروندان این منطقه شهری در انجام امور

زیرا همان‌گونه که در نمودار فوق دیده می‌شود، چولگی نمودار به سمت راست می‌باشد و کشیدگی نمودار نیز روی مقادیر بالاتر از عدد ۳ قرار گرفته و این امر نشان دهنده آن است که میزان مشارکت در سطح

محله و شهر خود از انگیزه و علاقه بالایی برخوردار هستند و این نیت و عمل خود را می‌توانند در انجمن‌ها و سازمان‌های خودجوش نشان‌دهند. مشاهدات میدانی نگارندگان نیز این ادعا را ثابت می‌کند؛ به طوری که طی مشاهدات و مصاحبه‌هایی که با مسئولین شهرداری، به‌ویژه شهرداری منطقه سه انجام شد، ناظر به این مهم است که مسئولین از وضعیت مشارکت شهروندان منطقه سه بسیار راضی و خشنود بودند. از نظر آن‌ها اگرچه مردم منطقه سه از نظر وضعیت اقتصادی و سایر امکانات در بین سایر مناطق شهر نسبتاً محروم می‌باشند، ولی قصد، انگیزه و عمل به مشارکت در بین آن‌ها در حد بالایی است و حاضرند شهرداری را در انجام امور، چه از نظر مشارکت مالی (پرداخت عوارض، مالیات و ...) و چه از نظر همیاری‌های فکری و عملی، یاری کنند. همچنین نگارندگان طی مصاحبه‌هایی که با شهروندان و شورایاران منطقه سه و دیگر مناطق شهری زاهدان داشتند، مشخص گردید که شهروندان منطقه سه در مقایسه با شهروندان سایر مناطق (۱ و ۲) از فعالیت و انگیزه مشارکتی بیشتری در امور شهر برخوردار هستند؛ همچنین شورایاران محله، در این منطقه از فعال‌ترین شورایاران در بین محله‌های سایر مناطق هستند. برگزاری کلاس‌های توجیهی (برنامه‌های فرهنگی، اجتماعی) برای شهروندان در مدارس و مساجد منطقه و ایجاد نشست‌های عمومی و مردمی در سطح محله از جمله اقدامات این شورایاران بوده است. بنابراین، مسئولین اجرایی و مدیریتی شهر زاهدان می‌توانند از این پتانسیل و استعدادی که در بین این شهروندان نهفته است، نهایت استفاده را برده و با برنامه‌ریزی‌های منسجم و منظم این توانایی‌های بالقوه را به مرحله فعلیت و کارایی برسانند.

جمع بندی، نتیجه گیری و پیشنهادها

سرمایه اجتماعی در هر جامعه‌ای کلید استقرار توسعه پایدار شهری است و مشارکت شهروندی در تمام ابعاد به‌عنوان یکی از مهم‌ترین عناصر سرمایه

جغرافیا و آمایش شهری - منطقه‌ای، سال چهارم، شماره ۱۱، تابستان ۱۳۹۳

- فصلنامه علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی، انتشارات جهاد دانشگاهی، شماره دوم، تهران.
- ابراهیم پور، حبیب و طاهر روشندل اربطانی (۱۳۸۷)، بررسی جایگاه رسانه ملی در الگوی حکمرانی پایداری در ایران، نشریه مدیریت دولتی، دوره ۱، شماره ۱، پاییز و زمستان.
- ازکیا، مصطفی و فیروزآبادی، سیداحمد (۱۳۸۷)، بررسی سرمایه اجتماعی در انواع نظام‌های بهره‌برداری از زمین و عوامل مؤثر بر تبدیل بهره‌براریهای دهقانی به تعاونی، نامه علوم اجتماعی، شماره ۳۳، بهار.
- برغمندی، هادی (۱۳۸۷)، تأثیر تخریب محله غربت بر سرمایه اجتماعی اهالی محله خاک سفید، فصلنامه رفاه اجتماعی، شماره ۲۸، سال هفتم، دانشگاه توانبخشی و بهزیستی تهران.
- پاپلی یزدی، محمدحسین، ابراهیمی، محمد امیر (۱۳۸۱)، نظریه‌های توسعه روستایی، انتشارات سمت، تهران.
- پاتنام، روبرت (۱۳۸۰)، دموکراسی و سنت های مدنی، ترجمه محمد تقی دلفروز، دفتر مطالعات و تحقیقات سیاسی وزارت کشور، تهران.
- توسلی، غلامعباس و موسوی، مرضیه (۱۳۸۴)، مفهوم سرمایه در نظریات کلاسیک و مدرن با تأکید بر نظریه‌های سرمایه اجتماعی، نامه علوم اجتماعی، شماره ۲۶، زمستان، تهران.
- توکلی، مرتضی و تاجبخش، کاظم (۱۳۸۷)، بررسی و تحلیل میزان سرمایه اجتماعی در مناطق شهری و روستایی مرزی سیستان، فصلنامه روستا و توسعه، سال ۱۱، شماره ۲، تابستان، تهران.
- جواهری، فاطمه و باقری، لیلا (۱۳۸۷)، تأثیر استفاده از اینترنت بر سرمایه اجتماعی و انسانی (نمونه مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه تهران)، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تربیت معلم، شماره ۵۸-۵۹، تهران.
- حامدمقدم، احمد (۱۳۷۳)، مشارکت و توسعه مشارکتی روستایی، مجموعه مقاله های سیمینار جامعه شناسی، جلد ۲، انتشارات سمت، تهران.
- حاجی پور، خلیل (۱۳۸۵)، برنامه‌ریزی محله مینا

راهکارهایی در جهت تقویت و ارتقای میزان مشارکت شهروندان در منطقه سه شهر زاهدان و سایر شهرهای کشور به شرح ذیل ارائه می‌گردد:

ایجاد و گسترش نمادها و ارزش‌های ملی و منطقه‌ای در شهر، زیرا این مهم خود باعث ایجاد و تقویت حس هویت و همبستگی اجتماعی شهروندان و در نهایت افزایش مشارکت و همیاری آن‌ها در کارکردهای توسعه‌ای شهر خواهد شد.

تشکیل گروه‌های همفکر و همکار در محلات شهر و عضویت شهروندان در آن به منظور مشارکت و فعالیت، بدون در نظرگیری تفاوت‌های قومی و مذهبی.

بهره‌گیری از همیاری و همکاری انجمن اولیاء و مربیان مدارس محله با شورایاران و شهرداران محله به‌منظور حل یا لااقل کاهش مشکلات محله‌های شهری.

برگزاری جلسات منظم و پیوسته در شهرداری توسط مسئولان مدیریتی و برنامه‌ریزی شهری و رایزنی و همفکری درباره مشکلات شهر با مردم، شوراهای شورایاران محلات شهر.

برگزاری جلسات توجیهی و کارگاه‌های آموزشی شهروند فعال در سطح شهر توسط شهرداری.

منابع و مأخذ

- ابراهیم‌زاده، عیسی، کاظمی‌زاد، شمس‌اله (۱۳۹۲)، سنجش میزان رضایتمندی و تمایل به مشارکت شهروندان در اجرای پروژه‌های زیربنایی شهرداری، موردشناسی، شهرداری زاهدان، مجله جغرافیا و توسعه، شماره ۳۱، بهار، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان.
- ابراهیم زاده، عیسی و بریمانی، فرامرز محمد اسکندری، صغرای رمضانپور (۱۳۸۹)، بررسی تطبیقی سرمایه اجتماعی در روستاهای ادغام شده در شهر و روستاهای مستقل موردشناسی، روستای ادغام شده ترنغان و روستای مستقل رزق آباد کاشمر، فصلنامه روستا و توسعه سال ۱۳ شماره ۱، تهران.
- ابراهیم زاده، عیسی (۱۳۷۷)، مدیریت مشارکتی شوراهای اسلامی و نظام مدیریت روستایی در ایران،

اصلی و چارچوب نظری، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال ۱، شماره ۲، تهران.

- شیبانی، ملیحه، رضوی الهاشم، بهراد، دلپسند، کاظم (۱۳۹۱)، بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر مشارکت شهروندان در مدیریت امور شهری تهران، فصلنامه مدیریت شهری، سال دوم، شماره چهارم، پاییز، شهرداری تهران.

- عابدی سروستانی، احمد (۱۳۵۸)، جایگاه ترویج در توسعه با تأکید بر مشارکت، فصلنامه روستا و توسعه، سال ۹، شماره ۱، تهران.

- عبداللهی، مجید (۱۳۹۲)، ارزیابی ابعاد اجتماعی محله‌های شهری در چارچوب دیدگاه سرمایه اجتماعی مورد پژوهی محله‌های شهر شیراز، مجله مدیریت شهری، شماره ۳۲، پاییز و زمستان، شهرداری تهران.

- عبداللهی، محمد و میرطاهر، موسوی (۱۳۸۶)، سرمایه اجتماعی در ایران وضعیت موجود و دورنمای آینده و امکان شناسی گذار، فصلنامه رفاه اجتماعی، شماره ۲۵، دانشگاه توانبخشی و بهزیستی تهران.

- علوی تبار، علیرضا (۱۳۷۹)، بررسی الگوی مشارکت شهروندان در اداره امور شهرها، تهران: انتشارات سازمان شهرداری‌های کشور.

- علی آبادی، جواد (۱۳۸۱)، اسکان غیررسمی و شهرداری‌ها، ماهنامه شهرداری‌ها، انتشارات سازمان شهرداری‌ها، شماره ۴۵، تهران.

- فوکویاما، فرانسیس (۱۳۷۹)، پایان نظم، بررسی سرمایه اجتماعی و حفظ آن، ترجمه غلامعباس توسلی، انتشارات جهان امروز، تهران.

- مدنی قهفرخی، سعید (۱۳۸۲)، پیامدهای جنسیتی تخریب سرمایه اجتماعی، فصلنامه رفاه اجتماعی، شماره ۵، دانشگاه توانبخشی و بهزیستی تهران.

- مشکلانی، پروانه (۱۳۸۳)، اداره شهرهای جهان با الگوی مشارکتی، ماهنامه شهرداری‌ها، سال ششم، شماره ۶۹، تهران.

- نوابخش، مهرداد، پورموسوی، سیدموسی، تاجیک، زهره (۱۳۹۲)، بررسی تطبیقی شاخص‌های توسعه پایدار اجتماعی کلانشهر تهران، مطالعه موردی منطقه ۶ و ۱۰، نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، سال

رهیافتی کارآمد در ایجاد مدیریت شهری پایدار، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۲۶، دانشگاه تهران.

- حسینی، سیدهادی، قدرتی، حسین، میره، محمد، زنگنه، یعقوب (۱۳۹۲)، پایداری شهری بر بنیان توسعه مشارکت شهروندی مطالعه موردی شهر سبزووار، فصلنامه جغرافیا و پایداری محیط، شماره ۶، بهار، دانشگاه رازی کرمانشاه.

- خواجه شاهکویی، علیرضا، مدانلو جویباری، مسعود، صمدی، رضا (۱۳۹۲)، بررسی نقش سرمایه اجتماعی در نوسازی بافتهای فرسوده شهری موردشناسی شهر جویبار، فصلنامه جغرافیا و آمایش شهری - منطقه‌ای، شماره ۸ پاییز، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان.

- رحمانی، تیمور و امیری، میثم (۱۳۸۶)، بررسی تاثیر اعتماد بر رشد اقتصادی در استانهای ایران با روش اقتصادسنجی فضایی، تحقیقات اقتصادی، شماره ۷۸، تهران.

- سعیدی رضوانی، نوید، کاظمیان، غلامرضا (۱۳۸۰)، امکان‌سنجی واگذاری وظائف جدید به شهرداری‌ها، جلد اول (بررسی تحولات نظری و تجارب جهانی)، انتشارات سازمان شهرداری‌ها، تهران.

- شادی طلب، ژاله و حجتی کرمانی، فرشته (۱۳۸۷)، فقر و سرمایه اجتماعی در جامعه روستایی، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال هفتم، شماره ۲۸، تهران.

- شارع پور، محمود (۱۳۸۵)، سرمایه اجتماعی، مفهوم سازی، سنجش و دلالت‌های سیاستگذاری، معاونت اقتصادی و برنامه ریزی سازمان مدیریت و برنامه ریزی مازندران، ساری.

- شریعتی، محمدتقی (۱۳۸۳)، چالش‌های برنامه‌ریزی مشارکتی محلی (روستایی) در ایران، مجموع مقالات کنگره توسعه روستایی، چالش‌ها و چشم‌اندازها، انتشارات موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی، تهران.

- شریفیان ثانی، مریم و ملکی سعیدآبادی، امید (۱۳۸۵)، سرمایه اجتماعی به مثابه یک سیستم پیچیده، فصلنامه علمی - پژوهشی رفاه اجتماعی، سال ششم، شماره ۲۳، تهران.

- شریفیان ثانی، مریم (۱۳۸۰)، سرمایه اجتماعی، مفاهیم

- Offe, Claus and Fuchs, Susanne (2002). A decline if Social Capital? The German Case, Published in Putnam, Robert D (2002) Democracy in Flux, The Evolution of Social Capital in Contemporary Society, New York: Oxford University Press.
 - Srinivas, Hari(1996) "Governance: A Working Definition", www.soc.Titech.ac.jp
 - Putnam, Robert. And Goss, Kristin A (2002), Introduction in Putnam, Robert, Democracy in Flux, The Evaluation of Social capital in Contemporary Society. Oxford University press.
 - Putnam, R (2000) Bowling Alone: The Collapse and Revival of American Community, Simon and Schuster, New York.
 - Watson, George W. and Papamarcos, Steven D.(2002), Social capital and organizational commitment, Journal of Business and Psychology, 16:537-552.
-
- سیزدهم، شماره ۲۹، دانشگاه خوارزمی تهران.
 - نوذریور، علی(۱۳۸۰)، یاداشت سردبیر(سرمقاله)، فصلنامه مدیریت شهری، سال دوم، شماره ۵، شهرداری تهران.
 - یاور، بیژن(۱۳۸۰)، شهرسازی مشارکتی و جایگاه مردم در شهر ایرانی، واقعیات، اهداف، استراتژی ها، پایان نامه کارشناسی ارشد، گروه شهرسازی دانشکده هنر و شهرسازی دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران.
 - Adam, France and Ronccecic, Bourt (2003), Social Capital: recent debates and research. Social Science Information, 42:155-183.
 - Feinstein, S . S . & Norman Fainstein,1996, City Planning and Political Volues: An Update View, in Reading in Planning Theory, Cambell, S . A and S. Blackwell, London.